

## بررسی تطبیقی نکوهش ظلم در اشعار معروف الرصافی و شهریار

سکینه صالحی زاده\*

### چکیده

شعر مقاومت، الفبای پایداری در برابر قدرت‌های اهریمنی و انسان ستیز است. شعری است راست قامت و عزت مدار که در برابر دشمنان قسم خورده «انسانیت» و راهزنان «صلح» و «عدالت» و «آزادی»، هرگز تن به تسلیم و سازش نمی‌دهد و برای دفع فتنه دشمنان و به زانو در آوردن آنان، همدوش نیروهای مجاهد و رزمنده، در خط مقدم جبهه می‌جنگد و بشارت «پیروزی» را فریاد می‌کند. ادب مقارن یا ادب تطبیقی در تاریخ ادب فارسی و عربی ریشه‌ای کهن دارد و در تاریخ معاصر نیز به خصوص در کشورهای عربی آثار قابل اعتنایی در این زمینه به چشم می‌خورد ادبیات پایداری اختصاص به سرزمین خاصی ندارد. عشق به سرزمین مادری، آزادی خواهی و پایداری در برابر ظلم، ایجاد امید، و مبارزه با بی‌هویتی و غفلت مردم، از مهمترین جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر است. معروف الرصافی و محمد حسین شهریار، شاعران عراقی و ایرانی بوده‌اند که در برابر ظلم و ستم ایستادگی نموده، مردم را به مبارزه علیه آنها دعوت کرده‌اند. این پژوهش به تحلیل موضوعی جلوه‌های ظلم ستیزی و مبارزه در برابر ظلم و ستم و استعمار در اشعار معروف الرصافی و شهریار می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** ظلم ستیزی؛ بیداری؛ مقاومت؛ معروف الرصافی؛ محمد حسین شهریار.

salehizade\_sakineh@yahoo.com

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۵



## مقدمه

شعر مقاومت برآمده از جوهره و ذات فرهنگ بالنده و انسان ساز اسلامی است. در اسلام، حضرت اباعبدالله (ع) نماد مقاومت و پایداری در مقابل ظلم و کفر و شرک و باطل است. شخصیت برجسته امام حسین (ع) الهام بخش اکثر شاعران مقاومت در سراسر جهان اسلام است. حماسه بی بدیل کربلا، گنجینه پایان‌ناپذیری است که شعر مقاومت اسلامی برای همیشه می‌تواند از آن ارتزاق کند. در ایران نیز، شعر مقاومت با نام بلند حکیم توس «فردوسی» و «شاهنامه» درآمیخته است. بعد از فردوسی بزرگ نیز، شاعرانی همچون «مسعود سعدسلمان» و «ناصر خسرو» این مسیر روشن را هموار کرده‌اند. در عصر مشروطه نیز شعر مقاومت با نام این شاعران: میرزاده عشقی، ملک‌الشعراى بهار، فرخى یزدى، سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، پروین اعتصامی، ایرج میرزا، ابوالقاسم لاهوتی، عارف قزوینی، علامه دهخدا، ادیب‌الممالک فراهانی و... پیوند خورده است.

اما اگر بخواهیم پیشینه شعر مقاومت را در کشورهای عربی ردیابی کنیم، باید بگوییم که تاریخ شکل‌گیری این شعر به قرن‌های ۱۹ و ۲۰ برمی‌گردد. سال‌هایی که کشورهای عربی گرفتار سلطه حکومت‌های عثمانی بودند و ملیت و قومیت آنان در معرض اضمحلال و نابودی بود. در این دوران، شاعران مقاومت عرب برای حفظ و صیانت از زبان عربی که مهم‌ترین نشانه قومیت آنان بود، و همچنین به منظور بیداری مردم، دست به سرودن اشعار اجتماعی، انقلابی (مقاومت) زدند، «احمد شوقی» و «حافظ ابراهیم» از مصر و «معروف الرصافی» و «الزهاری» از عراق، از جمله شاعرانی بودند که برای پاسداری از هویت عربی، جریان شعر مقاومت را شکل دادند. پس از جنگ دوم جهانی نیز با به رسمیت شناخته شدن کشور اسرائیل توسط سازمان ملل، و اشغال فلسطین، خون تازه‌ای در رگ‌های «شعر مقاومت جهان عرب» جاری شد و این جریان به جریانی بالنده و پویا تبدیل گردید.

گسترش ظلم و بی‌عدالتی و تقویت انگیزه‌ی دفاع از حق در شکل‌گیری و احیای شعر مقاومت نقش داشته است. از سوی دیگر واضح است که به واسطه‌ی وقوع نزاع و جنگ و به محض تهاجم یک طرف، طرف مقابل موضع مقاومت در پیش خواهد گرفت و به عبارت دیگر، وقوع جنگ به



طور طبیعی پدیده‌ی تهاجم و مقابله را در پی خواهد داشت و هر قدر دامنه‌ی این جنگ گسترده تر و میزان پیچیدگی و پیشرفت آن بیشتر باشد، دو مقوله‌ی تهاجم و مقابله، نمود بیشتری خواهد یافت.

مقاومت عبارت است از اقدامی آگاهانه و آزادانه در برابر تحرکی خصمانه در هنگامه‌ی نبرد، شاعران که ادراکات فراحسی قوی تری دارند؛ با تلاشی گسترده به سرودن شعرهای مهیج و تحریک احساسات خفته‌ی مردم مبادرت می‌ورزند که افزون بر تاثیر گذاری در حوادث و رویداد ها در راستای مصالح مردم سرزمینشان، آثار ادبی ماندگاری نیز از خود بر جای می‌گذارد..

معروف‌الرصافی عراقی و شهریار ایرانی که هرگز وضع موجود نتوانسته بود این دو شاعر را راضی سازند، شدیداً تحت تاثیر محیط فکری خود واقع شده و افکار و احساسات خود را معطوف به مسائل اجتماعی و سیاسی ساخته‌اند و آنها را با زبانی هنری، در قالب شعر بیان می‌کنند با بررسی مقاومت و جلوه‌های ظلم ستیزی در شعر رصافی و شهریار به این نتیجه می‌رسیم که، هر دو شاعرانی هستند که وطن برای آنها و در نظرشان معنای وسیعی را در بر می‌گیرد به طوری که تمام تشویش‌های ذهنیشان در ارتباط با آزادی وطن و هموطنانشان است.

از آنجا که دو کشور ایران و عراق از نظر سیاسی و اجتماعی وضعیتی همانند و شبیه داشته‌اند، از این رو انعکاس این وضعیت، در اشعار این دو شاعر برجسته نیز، همانندی قابل ملاحظه‌ای دارد، معروف‌الرصافی و محمد حسین شهریار، از شاعرانی هستند که، تحت تأثیر محیط سیاسی- اجتماعی عصر خود بوده با توجه به ظلم و ستم ستمگران به مبارزه علیه آنها پرداخته و با سلاح شعر و در کنار مردم علیه ظالمان به پا خواستند. آنها وطن را جزء جدایی ناپذیر وجود خود احساس می‌کنند و ظلم به وطن و جامعه برایشان غیر قابل تحمل می‌شود.

پژوهش حاضر پس از بررسی محیط سیاسی و معرفی رصافی و شهریار به بررسی جلوه‌های ظلم ستیزی در اشعار رصافی و شهریار می‌پردازد و نحوه پرداختن شاعران را به این موضوعات و نوع مضامینی که به کار برده‌اند و اهمیت وطن دوستی را در نظر این دو شاعر مورد قند و بررسی قرار می‌دهد.



### پیشینه پژوهش

در زمینه ادبیات مقاومت و ظلم ستیزی در شعر شاعران پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از جمله: «بررسی تطبیقی تجلی عشق به میهن در اشعار فرخی یزدی و معروف الرصافی» نویسنده: محمودرضا توکلی محمدی؛ نشریه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۵: «بررسی تطبیقی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی» نویسندگان: دکتر ناصر محسنی نیا، فاطمه داشن؛ نشریه ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۸: «احوال و آثار معروف الرصافی شاعر سیاسی-اجتماعی» نشریه زبان و ادبیات دانشگاه سمنان و اما در زمینه شهریار شناسی «پایان نامه: آراء و اندیشه‌های شهریار» اثر رسول حیدری در دانشگاه اصفهان، اشاره کرد این مقاله به بررسی ظلم ستیزی و چگونگی بروز این حس و مبارزه علیه ظالمان در مضامین شعری رصافی و شهریار می‌پردازد. و موضوعاتی را مورد بررسی قرار می‌دهند که در شعر دو شاعر شاهد گویایی بر اهمیت وطن و ملت در نگاه رصافی و شهریار را نشان می‌دهد.

### بحث اصلی و تحلیل

#### شرح حال ادبی الرصافی و شهریار

#### معروف الرصافی

معروف الرصافی متولد بغداد و پدرش - عبدالغنی افندی - نژاد کردی داشت (بقاعی، ۱۹۹۴: ۲۵). گویند از علویین بوده است. مقدمات علمش را در زادگاهش فرا گرفت، سپس مدت سیزده سال ملازم محمود شکر الالوسی بود و از او فراوان چیزها آموخت. ادبیات عرب را در بغداد و در مدرسه عالی سلطنتی در قسطنطنیه فرا گرفت و در مدرسه الواعظین که از توابع وزارت اوقاف بود معلومات خود را در زبان و ادبیات عربی کامل کرد. آنگاه به نمایندگی مجلس مبعوثان عثمانی برگزیده شد. در اواخر نایب رییس انجمن ترجمه و تعریب در وزارت معارف بود. تا به عضویت مجلس نواب عراق انتخاب شد ولی طولی نکشید که به سبب سختگیری حکومت خانه نشین شد. و روزهای آخر عمرش را در عزلت و با اندکی معیشتی که به دستش می‌آمد گذراند.



رصافی را در شعر و نثر و لغت و ادب آثار بسیاری است و مشهورترین آنها دیوان اوست، معروف به الرصافیات. این دیوان را محی الدین الخیاط و شیخ مصطفی الغلابینی، تنظیم کرده و با حواشی و توضیحات به چاپ رسانده است. دیوان رصافی دارای چهار باب است: الکونیات، الإجتماعیات، التاریخیات، الوصفیات (فاخوری، ۱۳۸۶: ۷۲۹ و الفاخوری، ۱۴۲۴: ۴۸۶). وی در اوایل جنگ بین الملل دوم، در پی شکست انقلاب رشیدعالی گیلانی، به گوشه انزوا خزید، تا اینکه در سال ۱۹۴۵، در بغداد وفات یافت (البدری، ۱۹۵۱: ۴۷).

### محمد حسین شهریار

سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار فرزند حاج میر آقا خشگنابی که از وکلای درجه اول تبریز و از دانشمندان و اهل ادب بودند، در سال ۱۲۸۳ شمسی هجری در تبریز متولد شد. مسقط الرأس اصلی خانواده او قریه خشگناب است. [AT۱] شاعر ایام کودکی را که مصادف با انقلاب تبریز بود در قراء «شنگول آباد» و «قیش قرشاق» و «خشگناب» بسر برد..

تحصیلات خود را با قرائت گلستان و نصاب در مکتب آن قریه و پیش پدر شروع کرد. بعد سیکل اول متوسطه را در مدرسه متحده و فیوضات به پایان رساند و در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند (۱۳۰۳) و وارد مدرسه طب شد و پس از ۵ سال تحصیل کمی قبل از اخذ دیپلم دکتری، مدرسه را ترک گفت و به خراسان رفت و تا سال ۱۳۱۴ در آن سامان بود. بعداً به تهران آمده وارد خدمت بانک کشاورزی و پیشه هنر گردید (شهریار، ۱۳۴۷: ۱۱). وی در سال ۱۳۷۶ به سن ۸۴ سالگی در گذشت و در مقبره شعرای «سرخاب» تبریز مدفون گشت (یا حقی ۱۳۷۴: ۱۶۸ ۱۶۹).

### محیط سیاسی در عصر رصافی

الجزایر و عراق از جمله کشورهایی هستند که آرزوهای ملتشان در دوره‌ای از تاریخ با دست‌های پلید استعمار به یغما رفته است. تاریخ معاصر شاهد صفحه‌ای تاریک و دردناک از ستم‌های استعمار فرانسه در الجزایر و انگلیس در عراق است که نمود واقعی آن در سروده‌های پراحساس و



واقع‌گرایانه معروف الرّصافی قابل مشاهده است. شاعری که از نزدیک شاهد بیداد استعمارگران در کشور خویش بوده و همانند ملت خود، بیداد اشغال‌گران را از نزدیک لمس و درک کرده‌است. قرن نوزدهم سخت‌ترین و دردناک‌ترین مرحله از تاریخ سرزمین عراق بشمار می‌رود و این سرزمین در این قرن انواع بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علمی را به خود دیده و روح و روان انسان عراقی نخستین نشانه‌ای بود که در تیررس این تیرهای آتشین قرار گرفت و به شراره‌ای خاموش و بی هویت مبدل گشت (عزالدین، بی تا: ۲۷). عراق نیز شکاری بود که استعمار پیر برای مدت زمان طولانی در کمینگاه مترصد آن بود. انگلیس پس از درگیریهای فراوان و تحمل تلفات سنگین در سال ۱۹۱۷ بر بغداد استیلا یافت. این کشور از همان آغاز ورود، بغداد را پل نجات و رهایی از یوغ عثمانی عنوان کرد نه پل پیروزی. لیکن طولی نکشید که نیات پلیدش بر ملیت عراق آشکار شد.

### اوضاع سیاسی در عصر شهریار

در آستانه انقلاب مشروطه کشور ایران هنوز تمامی خصوصیات جامعه شناسی یک جامعه سنتی را دارا بود. حاکمیت سیاسی به شکل استبداد کهنسال ایرانی بوده که به حق می‌توان آن را نمونه متعارف استبداد شرقی دانست. در قرن ۱۹ میلادی طی یک سلسله تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، رفته رفته شکاف‌هایی در جامعه سنتی ایران پدیدار گشت و حقانیت رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی مورد تردید قرار گرفت.

تشدید نفوذ دو دولت روسیه و انگلیس، رشد بی سابقه حجم تجارت خارجی ایران را به دنبال داشت. در انتهای قرن ۱۹، اقتصاد ایران عملاً به بازار جهانی وابسته شده بود، مکانیسم‌های موجود در نظام مبادله کالا و صادرات منجر به فقیر شدن کشور گردید (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۱-۲۱). کشور ما از اوایل قرن ۱۹ به صورت یک منطقه حایل میان دو قدرت فوق درآمده بود. آنها تا قرن ۲۰ میل به اشغال ایران و تقسیم کشور ما میان خود نبودند و از این رو ایران توانست استقلال سیاسی خود را حفظ نموده و از نقشه جغرافیا محو نگردد ولی هر دو دولت در روند رقابت توقف ناپذیر خود



سعی داشتند نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را هر چه بیشتر در کشور ما گسترش دهند (همان: ۶۵).

### تحلیل موضوعی جلوه‌های ظلم ستیزی در شعر رصافی و شهریار عشق به وطن در شعر رصافی

رصافی با اشعار سیاسی و اجتماعی خود در آگاه کردن اذهان مردم نیز بسیار تأثیر گذار بود. رصافی شعرش را در خدمت به کشورش به کار گرفت. او به مبارزه با استعمار و استبداد پرداخت و از مردم کشورش نیز می‌خواست که به خود آیند و برای دستیابی به استقلال عراق از هیچ تلاشی دریغ نورزند. او همچنین اشعار زیادی درباره‌ی وطن سرود که بیانگر عشق و علاقه‌ی فراوان او به میهنش است. وی تمام کشورهای عرب و مسلمان را به اتحاد و یکپارچگی فرا می‌خواند. او به مبارزه با جهل و بی‌سوادی پرداخت و از مردم کشورش می‌خواست که به علم و دانش روی آورند تا کشورش به پیشرفت و ترقی دست یابد.

یکی از عمده‌ترین مسائل عاطفی، که حوزه گسترده‌ای از تأملات انسان را در دوران ما به خود مشغول داشته، مسئله وطن است. دسته‌ای با شیدایی تمام از مفهوم وطن سخن می‌گویند و جمعی نیز برآنند که وطن حقیقتی ندارد. زمین است و آدمیان، همه جا وطن انسان است و جهان را وطن انسان می‌شمارند (شفیعی کدکنی، ۱۶: ۱۳۸۹).

در عراق هم در دوره معاصر وطن مفهوم جدیدی به خود می‌گیرد. عراق تا سال ۱۹۲۰م. استقلال سیاسی نداشته و جزء امپراطوری بزرگ عثمانی محسوب می‌شده است. جنبش ترکان جوان برای اعراب و از جمله عراق نتایج بسیار مهمی در پی داشت. زیرا باعث ایجاد احساسات ناسیونالیستی در میان اعراب شد و حرکت‌هایی را در جهت مخالفت با ترکان شکل داد (مار، ۱۳۸۰: ۶۰).

شایسته است که رصافی را شاعر سیاسی - اجتماعی به حساب آورند، نه یک سیاستمدار، کسی که به رصافی لقب سیاست پیشه می‌دهد در اشتباه است، اگر چه او به سیاست علاقمند بود (مطلوب، ۱۹۷۰: ۱۱۷-۱۱۸). او برای میهن خود گریه سر می‌دهد و از نا تندرستی و تیره بختی آن در عذاب است او زادگاهش عراق را مادر خود می‌داند که شایسته هر گونه دوستی و محبت است.



أَمْ مَا هَذِهِ الْمَوَاطِنُ أَمْ      مَسْتَحِقٌّ لَهَا عَلَيْنَا الْوَلَاءُ ۱  
(رصافی، ۱۹۸۶ ج ۲: ۱۱۶).

وَكَمْ أَرَى لِي شَيْئاً عَلَيْهِ وَإِنَّمَا      عَلَيَّ لَهُ فِي الْحَبِّ أَنْ اتَشَدَّدَا ۲  
(همان ج ۱: ۲۲۱).

و در جایی دیگر وجود خود را با وطن دوستی سرشته می‌داند که باید هر دشمنی را از او دفع کرد از این رو صادقانه آن را دوست دارد تا آنجا که خود و خانواده اشو دوستانش را به خاطر این دوستی فراموش می‌کند.

أَشْرِبْتُ حُبَّ بِلَادٍ مَا نَشَأَتْ بِهَا      إِلَّا لِأَدْفَعِ عَنْهَا كُلَّ عَدُوَانِ [۱]  
أَخْلَصْتُ حُبِّي لَهَا حَتَّى نَسِيتُ بِهِ      نَفْسِي وَأَهْلِي وَأَجَابِي وَخِلَانِي [۲]  
(همان ج ۱: ۴۷۹).

رصافی با این اشعار نشان می‌دهد که وطن برای او که جانش را فدای وطن می‌کند خیلی مهم بوده و نمی‌تواند ظلم و ستم و تیره بختی‌های آن را تحمل کرده و از آن به راحتی عبور کند. و با تمام وجود می‌کوشید تا ملتش را از قید و بند ذلت و بردگی و جهل‌رهایی بخشند و به سوی عزت و آزادی رهنمون گردد. شعر تنها سلاحی بود که شاعر می‌توانست بوسیله‌ی آن و با تمام وجود از میهن و ملت خود دفاع کند...

### وطن از دیدگاه شه‌ریار

در ایران، وطن در دوره معاصر، مفهومی جدید به خود می‌گیرد، «مفهوم وطن به معنای امروزی آن سابقه‌چندانی در تاریخ حاکمیت سیاسی کشور ایران ندارد و نه تنها در کشور ما، بلکه به عقیده مدرنیسم‌ها در غرب هم، وطن در مفهوم جدید آن یکی از مفاهیم مهم و محوری ناسیونالیسم است و با معنای «ملت» و «دولت ملی» ارتباط تنگاتنگ دارد، چندان سابقه دیرینه‌ای ندارد، چرا که ناسیونالیسم خود پدیده‌ای جدید در تاریخ می‌باشد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

شه‌ریار در شعر «مهمان شه‌ریور» نیز به مناسبت بیرون رفتن قوای متجاوز از ایران اظهار خرسندی می‌نماید و به هموطنان خود مژده «بار بستن خزان از حریم بوستان» را می‌دهد.

خزان به یغما برده آن ناخوانده مهمان می‌رود      آنتمک نشناس بشکسته نمکدان می‌رود





از حریم بوستان باد خزانی بسته بار با سپاه اجنبی از خاک ایران می‌رود  
(شهریار، ۱۳۷۶: ۴۰۱).

از پیامدهای انتقاد از اوضاع زمانه پیدایی یکی از مضامین اصلی شعر مشروطه؛ یعنی بیگانه ستیزی است که در «مرثیه‌های وطنی» که در این دوره دیده می‌شود. (افسری کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۸۱). احساس وطن‌دوستی و مبارزه با استبداد و خونریزی، در اندیشه شهریار جنبه جهانی دارد و محدود به ایران نیست. قطعه شعرهای قهرمانان استالینگراد، پیام به «انیشترین»، پیام «دانوب» به جامعه بشر و غیره بازتاب دیدگاه جهانی «شهریار» در راستای حس وطن‌پرستی و ابراز عواطف میهنی است. شهریار» نه تنها با متجاوزین و اشغالگران وطن خود، بلکه با هر نوع تجاوز و اشغال مخالفت آشتی‌ناپذیر داشت. هنگامی که آلمان هیتلری به ممالک اروپا و روسیه تجاوز کرد. «شهریار» بدون تردید و با تمام نیرو بانگ مخالفت را به اوج رساند و با افشای جنایات وحشیانه قرن بیستم مقاومت خلق‌های روسیه را در برابر دشمن ستوده و منظومه معروف «قهرمانان استالینگراد» را نوشت. استاد «شهریار» در جای دیگر در غزل معروف «آذربایجان» احساس‌های ملی میهنی خود را اینگونه بیان می‌کند. (شعر دوست، ۱۳۸۶: ۴۵۰)

پرمی‌زنند مرغ دل‌م با یاد آذربایجان

خوش باد وقت مردم آزاد آذربایجان

دیری است دور از دامن مهرش مرا افسرده دل

باز ای عزیزان زنده‌ام با یاد آذربایجان

آزادی ایران ز تو آبادی ایران ز تو

آزاد باش ای خطه آباد آذربایجان

(شهریار ج ۱، ۱۳۷۶: ۱۶۵)

### ندای دادخواهی

رصافی برای دادخواهی ملت مظلومش تلاش می‌کند و این دادخواهی و ظلم ستیزی حتی در آورده‌های رثای وی متجلی است. چنانکه در قصیده‌ای که در رثای عبدالحسن السعدون سروده



است استعمار را به شدیدترین وجه مورد تهاجم قرار می‌دهد و از ملت می‌خواهد که فریفته نقشه‌های شوم او نشوند.

مَا كَانَ أَشْرَفُهَا مِنْ مِيتِهِ تَرَكَتُ      فِي نَفْسٍ كُلُّ فَتَى مِنْ غِبْطِهِ أَثْرَا [۳]

كُنَّا نُقَاسِي ضَلَالاً قَبْلَهَا فَاِذَا      بِهَا الطَّرِيقُ إِلَى اسْتِقْلَالِنَا ظَهْرَا [۴]

(رصافی ج ۲، ۱۹۸۶: ۷۰-۷۱)

رصافی از شاعران مبارزی است که به طور جد به مبارزه با ظلم و ستم می‌پردازد و از هیچ تلاشی برای رسیدن به هدفش فروگذار نیست. وی در اشعار خود روح آزادی می‌دمد و این حس را وارد دل جامعه اش می‌کند. وی ظلم و ستم زمانه خو را می‌بیند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد و وجدان بیدار شاعر اجازه سکوت به او نمی‌دهد.

قصیده «وقفه عندیلزر» نمونه‌ای از بیدادگری‌های وی علیه فرمانروایان عثمانی است. او در این قصیده سی سال حکومت عبدالحمید را لکه ننگی بر پیشانی بشریت می‌داند و می‌گوید:

مَلَأَتْ خَطِيئَةَ الزَّمَانِ شَنَاوَرَا      فَابْتَهَا كُلُّ الْعَصِيرِ الْخَوَالِي [۵]

يَثِبُ الْعَدْلُ طَافِرَا كَلَمَا      مَرَّ عَلَيْهَا مُشَمَّرَ الْأَذْيَالِ [۶]

(همان ج ۲: ۲۲۸).

رصافی که خود تراژدی انسان معاصر را لمس کرده است و از آنجا که دیده بود چگونه عده‌ای مستبد با وعده‌های دروغین زندگی انسانهای بیچاره را هر طور که خود می‌خواهند می‌چرخانند، با شعرای دیگر سرزمین‌ها هم صدا می‌شود و فریاد آزادی سر می‌دهد.

إِذَا لَمْ يَعْشِ حُرّاً بِمَوْطِنِهِ الْفَتَى      فَسَمَّ الْفَتَى مَيْتَاً وَ مَوْطِنَهُ قَبْرَا [۷]

(همان ج ۱: ۱۴۵)

وی آزادی را عین زندگی می‌داند و آن را نصب العین خود قرار می‌دهد تا در شب‌ها راهنما و انیس و در حوادث روزگار فریاد رس وی باشد. اما همان اندازه‌ای که آزادی سیاسی برای او مهم است، آزادی اندیشه نیز برای او مهم جلوه می‌کند. بلکه آنرا پایه و اساس سیاسی معرفی می‌کند



در این ابیات به خوبی اشکار می‌شود که معروف‌الرضافی از تمام توان شعری خود برای مبارزه با ظلم و استفاده از قدرت شعر مقاومت و ادبیات بیداری بر علیه استبداد و ظلم به مردم جهان و بویژه مسلمان بهره می‌جوید.

### شهریار

توجه شهریار به عنوان یک ایرانی دوستدار وطن، به شعر ترکی، تنها از راه عشق به احیای زبان مادری بوده است. پس توان گفت که چهره ادبی شهریار از دو نیم رخ شعر فارسی و شعر ترکی آذری تشکیل یافته است. هر دو سوی این نیم‌رخ‌ها، صورت زیبا و دلنشین «شهریار ایران» را تشکیل می‌دهند.

شهریار حتی به حدی مراقب نیفتادن در دام بیگانه‌گرایان بود که در مصاحبه‌ای می‌گوید: «لهجۀ ترکی ما با سایر لهجه‌های زبان ترکی متفاوت است. من سعی می‌کنم به لهجۀ تبریز بنویسم. برخی لغات ترکی هستند که... ترکهای ایران آن را نمی‌دانند... تا حدی که برایم مقدور است از این لغات استفاده نمی‌کنم.

در موضوعات اجتماعی شاعر به برخی از مسائل روز توجه می‌کند و برای اصلاح کشور، گردان و دلیران را به یاری می‌خواند. شهریار در این اشعار مثل یک شاعر پیشرو ظاهر می‌شود.

پیام من به گردان و دلیران	جوانان و جوانمردان ایران
یکی غریبم باید که چون رعد	کند آشفته خواب نره شیران
نه شیران را سزد گردن نهادن	به زنجیر اسارت چون اسیران
گرم خون ریخت دشمن شهریارا	به خونی دانی چه بندم نقش، ایران

(شهریار ج ۱، ۱۳۷۶: ۳۴۶-۳۴۷)

گویی بار ظلم و ستم بر دوش دو شاعر سنگینی می‌کند. این دو در این اشعار با یک روحیه ظلم ستیزی مردم جامعه را هم به مبارزه دعوت می‌کنند و پا به عقب نمی‌گذارند. شهریار جوانان و نوجوانان را مانند شیری می‌داند که باید غرش کنند تا تن دشمن به لرزه بیافتد و نگذارند که اجنبی به هدفشان برسند تا خود کشورشان را به دست گیرند.



### نتیجه

با بررسی اشعار شاعران به این نتیجه می‌رسیم که شاعران، با سرودن اشعاری در راستای آزادی مردم و بیداری و آگاهی آنان در برابر ظلم و ستم، نماینده مردمی مظلوم و ستم‌پد هاند، که از ظلم و جور حاکمان زمان خود به جوش آمده و تصمیم به انقلاب و عدالت‌خواهی گرفته‌اند و این خواسته خود را در قالب اشعار مربوط به آگاهی، بیداری و مقاومت مردمی و اسلامی در برابر ظلم و ستم بیان می‌کنند. و شعر را سلاحی در برابر استعمار و ظالمان قرار می‌دهند.

از آنجا که دو کشور ایران و عراق از نظر سیاسی و اجتماعی وضعیتی همانند و شبیه داشته‌اند، از این رو انعکاس این وضعیت، در اشعار این دو شاعر برجسته نیز، همانندی قابل ملاحظه‌ای دارد، معروف الرصافی و محمد حسین شهریار، از شاعرانی هستند که، تحت تأثیر محیط سیاسی- اجتماعی عصر خود بود هو با توجه به ظلم و ستم ستمگران به مبارزه علیه آنها پرداخته و با سلاح شعر و در کنار مردم علیه ظالمان به پا خواستند. آنها وطن را جزء جدایی ناپذیر وجود خود احساس می‌کنند و ظلم به وطن و جامعه برایشان غیر قابل تحمل می‌شود. در واقع شاعر در حوزه شعر پایداری، پیام‌های انسانی و فلسفی پدیده‌ای به نام «جنگ» را می‌گیرد و به آنها تشخص جهانی می‌بخشد، پیام‌هایی چون: آزادی، حق طلبی، عدالت خواهی، وطن دوستی، ایثار و جانبازی و... و از آنجا که این پیام‌ها به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، طبیعتاً دایره مخاطبان شعر مقاومت، گسترش می‌یابد و این نوع شعر، هرگز در چاه و دامچاله «بحران مخاطب» سقوط نمی‌کند.

### پی نوشت

۱. بی شک این وطن‌ها همگی مانند مادری هستند که مستحق است که ما او را دوست داریم.
۲. من حقی بر گردن او (وطن) ندارم و فقط باید در عشق به او بسیار مصر باشم و به شدت بر آن پافشاری کنم.
۳. عشق کشوری که در آن بزرگ شدم را چشیدم و فقط تمام دشمنان را از آن دور می‌کنم.
۴. عشقم را برای وطنم خالص کردم تا جایی که به خاطر این عشق خودم، خانواده ام و محبوبان و دوستانم را فراموش کردم.



۵. شریف تر از مرده‌ای نیست و بر نفس هر جوان تاثیری غبطه‌ای را بر جای می‌گذارد.
۶. ما قبل از آن گمراهی را با ظهر روشن مقایسه می‌کردیم اما شاید راهی برای هدایت به استقلال ما وجود داشته باشد.
۷. تمام گام روزگار پر از ننگ و عار شد تا جایی که هر عصاره تاریخ گذشته و قدیمی‌ای نیز از آن ابا می‌کند.

### منابع

- آجودانی، ماشاء‌اله، (۱۳۸۲ه. ش)، یا مرگ یا تجدد، نشر اختران، تهران.
- افسری کرمانی، عبد الرضا، نگرشی به مرثیه سرایی در ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۶ه. ش.
- امین مقدسی، ابوالحسن، ادبیات تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶ه. ش.
- البدری، سعید، آراء الرصافی فی السیاسه و الدین و الإجتامع، بغداد، ۱۹۵۱م.
- خرابی، فاروق، سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۰ه. ش.
- الخياط، جلال، الشعر العراقي الحديث مرحله و تطور، دار الرائد العربی، بیروت، جلد ۲، ۱۹۸۷م.
- الرصافی، معروف، دیوان، دار العوده، بیروت، المجلد الأول و الثاني، ۱۹۸۶م.
- سنگری، محمدرضا، ادبیات دفاع مقدس، بنیاد حفظ اثار و ارزشهای دفاع مقدس، تهران ۱۳۸۹
- شعر دوست، علی اصغر، شمع صد ساله؛ ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تولد شهریار، زمان، ۱۳۸۶ه. ش.
- شعر دوست، علی اصغر، یاد آذربایجان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ه. ش.
- شهریار، محمد حسین، دیوان سه جلدی، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۷۶ه. ش.
- شهریار، محمد حسین، کلیات دیوان شهریار مجموعه ۵ جلدی به تصحیح خود استاد، چاپ افست اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۷ه. ش.
- شهریار، محمد حسین، دیوان اشعار، تهران، زرین / نگاه، ۱۳۷۸.



- عزالدین، یوسف، الشعر العراقي اهدافه و خصائصه فى القرن التاسع عشر، مكتبه الدراسات الأدبیه، لا تا.
- الفاخورى، حنا، تاريخ ادبيات زبان عربى، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۶هـ. ش.
- الفاخورى، حنا، الجامع فى التاريخ الأدب العربى؛ الأدب الحديث، ذوالقرى، قم، ۱۴۲۴هـ. ق.
- مار، فب، (۱۳۸۰هـ. ش)، تاريخ نوين عراق، ترجمه محمد عباس پور، بنياد پژوهش های اسلامى، مشهد.
- محقق، جواد، كلمات در خط مقدم، روايت فتح، تهران، ۱۳۸۹هـ. ش.
- مطلوب، أحمد، الرصافى آراءه اللغويه و نقديه، بغداد، ۱۹۷۰م.
- ندا، طه، ادبيات تطبيقى، ترجمه هادى نظرى منظم، نشر نى، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳هـ. ش.
- ياحقى، محمد جعفر، چون سبوى تشنه ادبيات معاصر فارسى، انتشارات نيل، چاپ اول، ۱۳۷۴هـ. ش.